

خبرنامه نجات

جلد ۱، شماره ۱

تاریخ: ۲۶ آذر ۱۳۸۵

در این شماره

1	سخن آغازین
1	درباره انجمن نجات
2	نامه انجمن نجات
3	دوری از مبارزه مسلحانه
4	پیروزی بزرگ مجاهدین!
5	بهره برداری اروپا از رجوی
6	تلویزیون کانال ۳ فرانسه
6	خوشحالی زودهنگام مریم
7	جعل پیام
8	نامه به مسعود رجوی
10	شکستن مبارزه مسلحانه
11	هیاهو برای هیچ
12	حکم دادگاه لوکزامبورگ
13	امروز دادگاه، فردا تهران
13	چرخش در سیاست آمریکا
14	کجا بودی تا حالا؟
14	لب گشودن رهبر فرقه
15	ما را از لیست در آورید
16	رای دادگاه لوکزامبورگ
16	جست و خیز های بی جهت

در باره انجمن نجات

- انجمن نجات قصد دارد تا اعضای سازمان مجاهدین خلق که هنوز در قرارگاه اشرف در عراق در اسارت بسر میبرند را نجات دهد.
- انجمن نجات در تماس مستمر با خانواده های اعضای سازمان مجاهدین خلق میباشد و تلاش میکند تا ارتباط آنان را با عزیزانشان برقرار سازد.
- انجمن نجات تلاش میکند تا حمایت بین المللی خوبی برای اهدافش ایجاد نموده و اعضای سازمان مجاهدین خلق را از روابط فرقه ای نجات دهد.
- انجمن نجات اقدام به برقراری جلسات و کنفرانس ها برای اعضای جدا شده و خانواده ها به منظور گردهم آوردن آنان و کاهش آلامشان مینماید.
- انجمن نجات میخواهد از هر امکانی برای رسیدن به اهداف خود استفاده نماید و لذا خواهان یاری شما بوده و به آن نیاز دارد.

سخن آغازین

که نام سازمان مجاهدین خلق در این لیست وارد شده است این افراد هیچگونه اقدامی نکرده اند.

دادگاه همچنین به شورای اتحادیه اروپا توصیه کرده است که به دلایل سازمان مجاهدین خلق مبنی بر اینکه نباید در لیست باشد گوش دهد که البته کارشناسان غربی به اندازه کافی دلیل و مدرک برای قرار دادن نام این سازمان در لیست گروه های تروریستی دارند.

بهرحال سازمان مجاهدین خلق همچنانکه معمول تمامی فرقه هاست تلاش میکند تا با هیاهو و جنجال طوری وانمود کند که گویا نام سازمان مجاهدین خلق از لیست گروه های تروریستی اتحادیه اروپا خارج شده است تا به این وسیله با نشان دادن پیروزی های کاذب نیروهای سرخورده خود را چند صباحی امیدوار سازد.

حکم دادگاه عالی اتحادیه اروپا هیچگونه تأثیری بر لیست گروه های تروریستی ندارد ولی این خاصیت را میتواند برای سازمان داشته باشد که نیروهای خود را بیشتر تحمیق کرده و چند روز بیشتر در کنترل ذهنی خود نگاه دارد. به همین دلیل باید به حکم دادگاه اعتراض نمود.

در این خبرنامه تلاش شده است تا مطالب گوناگون از زوایای مختلف جهت اطلاع شما گرد آوری شود.

آغاز نمود و حتی این امر را در سرلوحه فعالیت های سیاسی خود در غرب قرار داد. یکی از این اقدامات البته طرح دعوی به دادگاه عالی اتحادیه اروپا بود که به شکایات از اتحادیه اروپا رسیدگی مینماید. هر شهروند اروپایی حق دارد چنانچه از تصمیمات شورای اتحادیه اروپا متضرر گردیده باشد به این دادگاه شکایت کرده و ادعای غرامت نماید.

البته حاصل قرار دادن نام سازمان مجاهدین خلق در لیست سازمان های تروریستی اتحادیه اروپا محدود به مسدود شدن حساب بانکی چند عضو ارشد این سازمان در فرانسه بود و در واقع هدف از قرار دادن نام سازمان در لیست بیشتر باز شدن دست برای اقدامات کنترلی روی سازمان بود. بهرحال دادگاه بدوی اتحادیه اروپا بعد از سالها چنین حکم کرد که این حساب ها باز شوند. طرح شکایت از جانب افرادی که شهروند فرانسه محسوب میشوند صورت گرفت و برهان بکار گرفته شده در برابر دادگاه این بود که این افراد قبل از تصویب قوانین مربوطه و طرح چنین لیستی با سازمان مجاهدین خلق همکاری داشته اند.

بهرحال دادگاه بدوی اتحادیه اروپا حکم به رفع مسدودیت از این حساب ها نمود و دلیل آنرا هم این مسئله ذکر کرد که سازمان از ماه ژوئن سال ۲۰۰۱ عملیات مسلحانه خود را قطع کرده و لذا از زمانی

خوانندگان عزیز و خانواده های محترم اعضای سازمان مجاهدین خلق یقینا اطلاع دارند که نام این سازمان در لیست گروه های تروریستی در آمریکا و کانادا و همچنین در انگلستان و اتحادیه اروپا قرار دارد. سازمان تلاش میکند که این امر را به معامله پشت پرده بین جمهوری اسلامی و دول غربی ربط بدهد ولی واقعیت این است که بعد از واقعه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فضای غرب به شدت امنیتی شد و در واقع از آن زمان این لیست ها خصوصا در اروپا موضوعیت یافت. کشورهای غربی بلافاصله بعد از این واقعه اقدام به تصویب قوانین ضد تروریستی نمودند و بر اساس این قوانین سازمان هایی را مشخص کردند که می بایست تحت نظر کامل قرار گرفته و محدود یا حتی ممنوع گردند. یکی از این سازمان ها که البته از نظر کارشناسان امنیتی در غرب یک فرقه تروریستی بوده و ظرفیت اقدام به هرگونه عمل تروریستی را دارد سازمان مجاهدین خلق است که قرار دادن نام این سازمان در لیست گروه های تروریستی دست سرویس های اطلاعاتی و امنیتی غرب را برای تحت کنترل قرار دادن این سازمان برای ممانعت از هرگونه غافلگیر شدن باز مینماید.

از همان زمان سازمان مجاهدین خلق تلاش بی وقفه ای را جهت خارج کردن نام خود از این گونه لیست ها

نامه انجمن نجات به دادگاه بدوی جوامع اروپا

انجمن نجات، ۲۷ آذر ۱۳۸۵

دادگاه بدوی جوامع اروپا،
لوگزامبورگ



آقا یا خانم عزیز

با احترام، ما مایلیم توجه شما را به موضوعی در خصوص قضاوت اخیر شما در ملغی کردن تصمیم شورای اتحادیه اروپا مبنی بر مسدود کردن حسابهای سازمان مجاهدین خلق در نبرد علیه تروریسم خواستار شویم. مقدمات لازم است اشاره شود که انجمن نجات از اعضای جدا شده سازمان مجاهدین خلق تشکیل شده است که توانسته اند خود را از حصارهای سازمان نجات داده، و لذا خود را متعهد به کوشش برای کمک به نجات اعضای که هنوز به شکل ذهنی و یا حتی عینی در سازمان اسیر هستند میدانند.

حدود ۵۰۰ نفر از اعضای سازمان مجاهدین خلق توانسته اند از زمان سقوط دیکتاتور سابق عراق صدام حسین به وطن مراجعه کرده و به نزد خانواده هایشان بروند. انجمن نجات البته نقش اساسی در کمک به آنان از طریق صلیب سرخ جهانی، هلال احمر ایران، و سایر ارگان های بین المللی و داخلی بعلاوه خود خانواده ها به منظور تضمین بازگشت بدون مشکل آنان به وطن داشته است.

حدود ۳۰۰ نفر از کسانی که توانستند از سازمان فرار کنند در یک مرکز در نزدیکی محل تحت عنوان تسهیلات حضور بین المللی موقت TIFP نگهداری میشوند. و بر اساس مدارک حاصله حدود ۳۰۰۰ عضو هنوز در قرارگاه اشرف در عراق هستند. این افراد نیاز به نجات فوری دارند.

بسیاری از اعضای سازمان مجاهدین خلق خانواده ها و بستگان خود را سالها قبل برای پیوستن به صفوف سازمان مجاهدین خلق با امید به اینکه پیشرفت و رفاه برای ایرانیان به همراه بیاورند ترک کردند. ولی برعکس آنها خودشان در یک فرقه دهشتناک گرفتار دیدند که توانست اذهان و زندگی آنان را تماماً طی سالیان در حصار های قرارگاه اشرف در عراق کنترل نماید.

آنها عملاً تبدیل به بخشی از ارتش صدام حسین در جنگ در برابر ایران شدند. آنها توسط رهبران سازمان مجاهدین خلق با به خطر انداختن جانیشان برای فعالیت های تروریستی بر علیه مردم خودشان برای منافع دیکتاتور وقت عراق مورد سوء استفاده قرار گرفتند. انجمن نجات هدف خود را پایان دادن به رنج این افراد نگون بخت قرار داده است.

اعضا و مسئولین انجمن نجات بخوبی آگاه هستند که آنها با چالش بزرگی روبرو می باشند. سازمان مجاهدین خلق البته برخورد خصمانه ای را در برابر انجمن بکار گرفته است و هرگز تبلیغات سنگین و تهاجمی خود را جهت قطع کمک انجمن به اعضای سازمان مجاهدین خلق متوقف نکرده است.

تمامی فرقه ها نوعاً سعی میکنند تا منتقدین و مخالفین خود را، خصوصاً آنهایی که به اعضای ناراضی برای خروج کمک میکنند، سرکوب نمایند. سازمان مجاهدین خلق از این قاعده مستثنی نیست. آنها سابقه طولانی در سرکوب اعضای جدا شده خود داشته و از هر تمامی شیوه های روانی و فیزیکی جهت مطیع نمودن پیروان استفاده میکنند.

انجمن نجات موضوع انواع اتهامات توسط مقامات سازمان مجاهدین خلق بوده است چرا که سعی میکنند ارتباط اعضا را با خانواده هایشان ممکن نماید، امری که سازمان واقعا از آن وحشت دارد. انجمن نجات سعی میکند به اعضای جدا شده در عراق که در TIFP مستقر هستند کمک نماید. این البته گناهی نابخشودنی از نقطه نظر سازمان می باشد. بنابراین آنها حتی سعی میکنند خود TIFP را نیز موضوع تهاجم قرار دهند. در یک کلام انجمن نجات برای نجات عناصر گرفتار در سازمان مجاهدین خلق اقدام مینماید تا زندگی را به آنان بازگرداند.

ما بنابراین از اینکه فهمیدیم دادگاه بدوی جوامع اروپا تصمیم شورای اتحادیه اروپا را ملغی کرده و موقعیت خود را به خطر انداخته و به حامی سازمان مجاهدین خلق جهت شستشوی اعمال دهشتناک در گذشته و حتی در حال حاضر تبدیل شده است متعجب شدیم. این موضوع در گذشته نیز بسیار اتفاق افتاده است که سازمان مجاهدین خلق تلاش کرده است تا منابع رسمی و مستقل را برای کسب اعتبار جهت خنثی کردن سوابق مورد سوء استفاده قرار دهد. این قضیه بر اساس مدارک موجود به اعتبار چنین مؤسسه‌ای به شدت صدمه زده است. ما بخوبی آگاه هستیم که سازمان، مانند بسیاری از فرقه های از نوع خودش، آماده است تا از گذاشتن فشار و اعمال نفوذ برای رسیدن به اهدافش خرج نماید.

در حالیکه یک سخنگوی اتحادیه اروپا از واکنش سریع خودداری کرده و اعلام نمود که متخصصین در حال مطالعه و بررسی قضاوت انجام شده هستند، تلویزیون مجاهدین برنامه های عادی خود را قطع کرده شروع به نواختن طبل پیروزی نمود و این مسئله را فتح بزرگ خواند. چیزی تغییر نکرده است. اینکه حساب های آنها مسدود باشد یا نباشد، سازمان مجاهدین خلق یک سازمان تروریست ممنوعه است. بلافاصله بعد از اعلام حکم رهبر سازمان مجاهدین خلق مسعود رجوی بیانیه ای داد و اعلام نمود که دست سازمان باید در عراق بعلاوه اروپا و آمریکا برای انجام هرکاری بدون اینکه مونیور شوند باز باشد.

شما ممکن است مایل باشید بدانید که سازمان مجاهدین خلق بطور آشکار از استفاده از خشونت و تهاجم فیزیکی به عنوان ابزاری جهت رسیدن به مقاصد سیاسی حمایت میکند. یک نمونه وحشتناک آن در خصوص فاجعه آمیز ترین عمل تروریستی قرن بود که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ اتفاق افتاد که سازمان بلافاصله بعد از انتشار خبر در قرارگاه اشرف موقعیت مربوطه را جشن گرفت.

در اینجا همچنین توجه شما را به آخرین گزارش منتشره توسط دبیران حقوق بشر در خصوص سازمان مجاهدین خلق جلب میکنیم. گزارشی که با عنوان خروج ممنوع نامیده میشود در ماه مه ۲۰۰۵ منتشر شده است:

خروج ممنوع: نقض حقوق بشر در درون قرارگاه های مجاهدین خلق
ایران: گروه مسلح تبعیدی اعضای جدا شده را مورد آزار قرار میدهد.
گروه اپوزیسیون خواهان شناسایی و حمایت در پایتخت های کشور های غربی است.
"اعضای که تلاش میکنند سازمان مجاهدین خلق را ترک نمایند بهای سنگینی برای آن میپردازند"

در پایان مایلیم توجه شما را به این حقیقت طالب شویم که سازمان مجاهدین خلق در حال حاضر حکم را یک پیروزی سیاسی تعبیر کرده و طبعاً تشویق شده است تا فشار بیشتری بر اعضای ناراضی که در قرارگاه اشرف در عراق اسیر هستند اعمال نماید. تمامی فرقه ها به این نوع تأییدیه ها برای شستشوی اعمال غلط خود نیاز دارند. آنها همچنین از این موقعیت برای سوء استفاده ذهنی از اعضایشان بوسیله نشان دادن پیروزی های کاذب استفاده میکنند.

با احترام بسیار و تشکر فراوان

انجمن نجات

ورود سازمان مجاهدین با دوری از مبارزه مسلحانه به صحنه سیاسی

علی اکبر راستگو، عضو سابق
بخش سیاسی سازمان مجاهدین خلق

۲۳ آذر ۱۳۸۵



ورود غیر منتظره مسعودرجوی رهبر فرقه مذهبی مجاهدین به صحنه سیاست آنهم بعد از تقریباً سه سال و نیم (آخرین بار وی در ۳۰ فروردین ۱۳۸۲ رویت شده بود) را باید بفال نیک گرفت.

علت دوباره آمدن وی به صحنه به نظر من به چند دلیل صورت می گیرد:

۱. دادگاه مربوط به جنایات صدام چند هفته ای است که تقریباً به کار خود پایان داده و مشغول اعلام احکام صادره است. به رجوی اطمینان داده شده که که فعلاً دادگاهی جهت رسیدگی به اتهامات وی در عراق برگزار نمی شود و وی میتواند از سوراخ خود بیرون بیاید.

۲. مسئله ای بنام اشرف و ارتش آزادیبخش در پشت درهای بسته حل شده و رجوی به شیوه همیشگی خود تمام موجودیت سازمان را با زنده ماندن خود تاخت زده است.

۳. حکم دادگاه بدوی جامعه اروپا میتواند بعنوان بهانه ای برای خروج وی از انزوا محسوب شود و سازمان از آن بعنوان خروج از لیست تروریستی یاد میکند (فرد بیسوادی بنام

صدیقه حسینی که پست مسئول اولی مجاهدین را یدک میکشد در اعلامیه ۲۱ آذر خود می نویسد: *دادگاه اروپا برجسب تروریستی علیه مجاهدین خلق را ناعادلانه خواند و آن را لغوکرد* در حالیکه متن حکم چیز دیگریست و به تنها مسئله ای که نمی پردازد، خروج از لیست تروریستی است. این حکم تنها اذعان دارد که در رابطه با ضبط حسابهای مالی سازمان در اروپا به نظرات این سازمان توجهی نشده است و باید حق دفاع این سازمان محترم شمرده شود. حالا این موضوع چه ربطی به زدودن نام سازمان از لیست تروریستی دارد، شعبده بازی فرقه رجوی می باشد. بهایی که سازمان بابت این حکم پرداخته بسیار سنگین است:

”سازمان مجاهدین خلق ایران، تاسیس شده در سال ۱۹۶۵، مدنظر دارد رژیم شاه و بعد رژیم مالاها را با یک رژیم دموکراتیک عوض بکند. این سازمان در گذشته یک بازوی نظامی داشت که در داخل ایران فعالیت می کرد. سازمان تاکید میکند که بعد از صرف نظرکردن واضح و روشن، از ژوئن ۲۰۰۱ هیچگونه فعالیت نظامی ندارد.“ حکم دادگاه بدوی جامعه اروپا صفحه ۲

جملات بالا احتیاج به هیچ گونه توضیحی ندارند. سازمان طبق معمول همیشگی پشت درهای بسته قول و قرارهایی داده و اسنادی را امضاء کرده است. خلق قهرمان و هواداران نیز که داخل آدم نیستند که به آنها توضیح داده شود. آنها فقط به

درد هوراکشیدن می خورند.

ورود دوباره رجوی به صحنه، همچنانکه غیبتش، هیچگونه تأثیری در روند جنبش دموکراتیک مردم ایران نخواهد داشت. وجود وی آنقدر در صحنه سیاسی بی ارزش است که در طول غیبتش هیچکس به یاد وی نبود و اصلاً به سرنوشت وی کسی علاقمند نبود. وی در بحرانی ترین مرحله حیات سازمان، مخفی شد و اکنون با کمال وقاحت بدون توضیح و معذرت خواهی پیام میدهد. و خودش را به کوچه علی چپ می زند. جالب اینجاست که هیچ یک از رسانه های غربی به پیام وی اعتنا نکرده و پیشیزی برای وی ارزش قائل نشده اند.

حضور دوباره مسعودرجوی ضمناً اعلام آمادگی سازمان برای ادامه فعالیت سیاسی در غرب همراه با تن دادن به شرایط زیر می باشد:

- اعتراف به شکست مبارزه مسلحانه و دست برداشتن از دعاوی مربوطه
- تن دادن به فعالیت سیاسی مانند هر سازمان و گروه دیگر با قبول قوانین مربوطه که شامل بیلان دقیق مالی نیز می باشد.
- ممنوعیت استفاده از نام مجاهدین و آرم مربوطه

شرایط بالا ضمناً مورد معامله قرارگرفتن سازمان را توسط سیاستمداران غربی جهت فشار بر روی ایران تضمین می کنند. ضمن اینکه مسعود رجوی در محیط باز غرب باید جوابگوی ۳۰ سال جنایت و خون ریزی بی حاصل، همکاری و مزدوری برای صدام در جنگ ۸ ساله بر علیه مردم ایران و.... باشد.

اینجانب از ورود سازمان به صحنه سیاسی اروپا استقبال می کنم.

علی اکبر راستگو

کلن- آلمان ۱۴ دسامبر ۲۰۰۶

پیروزی بزرگ مجاهدین!

نمایندگان پارلمان اروپا به شدت از گزارش بیکر - هیلتون انتقاد کرده و آن را راه درستی برای حل مسایل عراق نمی‌دانند.

همچنین وی پس از بازگشت از لوگزامبورگ، در محل اقامتش، خواهان آن است که اروپا بر اساس این حکم دولت عراق را وادار کند تا به مجاهدین در این کشور پناهندگی بدهد! ...

مجاهدین به خوبی فهمیده اند که با یک بحران بسیار جدی و مهم که همانا فرا رسیدن زمان اخراج آنها است روبه رو هستند و جدیت آن را، هم از جانب دولت عراق و هم از جانب نیروهای ائتلاف کاملاً دریافت کردند و پیشاپیش در معامله با جان رجوی به آن تن دادند.

تکیه ی مجاهدین بر این حکم برای فشار وارد آوردن بر دولت عراق، اگر چه بسیار سست و ناکارآمد است، لیکن این را نیز باید درک کرد که در شرایط حاضر تنها وسیله ی ممکن است که به نظر آنها می‌تواند در این راستا کارساز باشد. جالب آن‌که هیاهوی ۵ میلیونی و حمایت مردم عراق، در برابر این حکم، به یکباره رنگ باخت و فرقه ی رجوی این حربه را مؤثرتر یافتند.

البته دولت‌های غربی صاحب نفوذ در این پرونده - به طور خاص امریکا و انگلیس - پیش از این، موضع رسمی خود را در این باره اعلام کرده‌اند مبنی بر این‌که چگونگی برخورد با مجاهدین را موضوعی مرتبط به دولت عراق می‌دانند و در آن دخالت نمی‌کنند.

این اظهار نظر البته برآمده از مذاکراتی است که آنها با نوری‌المالکی و دولت وی داشته اند و به نظر می‌رسد که غیرقابل تجدیدنظر باشد، ضمن آن‌که دیگر زمانی هم برای این تجدیدنظر وجود ندارد.

اگرچه ممکن است باند رجوی بتواند توفیقی در سوءاستفاده از این حکم در اردوگاه اشرف داشته باشد، اما به هیچ وجه در حل بحران‌های خارجی‌اش توان استفاده از آن را نخواهد داشت.

حتی خود رجوی که تا حال حاضر به‌دلیل وضعیت افتضاحی که برای گروهش رقم زده است، صدایش در نمی‌آید، به این بهانه پیامی فرستاد و طی آن تلاش نمود تقصیر تمام ورشکستگی‌ه ا و شکست هایش را به گردن اتحادیه ی اروپا و امریکا بیندازد!

به هر روی، مسأله این است که علی‌الظاهر مجاهدین - بنا به روایت خودشان از حکم دادگاه اروپایی - به آنچه که بیش از ۴ سال است دنبال آن هستند، رسیده اند! : تلاش برای رفع چیزی که آن را راینند اصلی خود می‌دانستند و پای اروپا بر گلوی خود معرفی می‌کردند. همچنین آن را مشوقی برای دولت ایران جهت سرکوب گروه خود عنوان می نمودند و ...

اکنون آن‌ها مدعی اند که اتحادیه ی اروپا پذیرفته است تا آنها را از لیست گروه‌های تروریستی در آورد!

در این صورت باید گفت پس شرایط از هر نظر مهیا است و دیگر باید منتظر بود که دار و دسته‌ی به گل نشسته ی رجوی، به فتح تهران نائل شود!

اکنون وقت آن است که از آن‌ها خواسته شود زیاد خلق قهرمان ایران را معطل نگذاشته و وقت خود را به تبلیغ درباره‌ی این حکم تلف نکنند و تمام کارهایی که می‌خواستند در صورت خروج از لیست انجام دهند، حال انجام دهند ... تا آن وقت معلوم شود که خروج از لیست هم از ابتدا بهانه ای بیش - مانند هزاران بهانه ی دیگر - برای سرپوش گذاشتن بر ناتوانی های این گروه و بی عرضگی های رجوی نبوده است.

با تأملی نه چندان زیاد بر روی سخنان مسعود و مریم رجوی پس از این حکم، می‌توان به علت این همه دست‌پاچگی دار و دسته‌ی رجوی، پی برد.

مسعود رجوی با اشاره به این حکم، از دولت عراق می‌خواهد حضور آنها را در عراق بپذیرد!

مریم رجوی در جمع چند نفر از

پایگاه اینترنتی ایران دیدبان،

۲۳ آذر ۱۳۸۵

به دنبال مسعود و مریم رجوی، مسؤول اول گروه تروریستی مجاهدین نیز طی پیامی با این جملات از حکم دادگاه اروپا استقبال کرد:

هموطنان عزیز،

حامیان مجاهدین خلق ایران،

دادگاه اروپا برچسب تروریستی علیه مجاهدین خلق ایران را ناعادلانه و باطل دانست و آن را لغو کرد.

سایت همبستگی ملی نیز در یک جعل آشکار، خبری را درباره‌ی این موضوع با مضمون زیر درج نمود:

سایت پارلمان اروپا طی گزارشی اعلام کرد: شورای اروپا به نمایندگی از سوی تمامی کشورهای عضو اتحادیه اروپا، حکم "دادگاه عدالت اروپا" مبنی بر لغو برچسب تروریستی علیه مجاهدین خلق ایران را پذیرفته است.

آیا باید این کار را از جمله‌ی "خرمرد رندی‌های" دار و دسته‌ی رجوی دانست یا مربوط به همان عقب‌ماندگی‌های ذاتی است و این که هر پدیده‌ای را همانگونه که تمایل دارند، می‌بینند؟ ...

بررسی بیماری باند رجوی که ناشی از خصلت عوام‌فریبی و فریبکاری آنها می‌شود، فعلاً موضوع این بحث نیست و به هر حال در اصل قضیه هم چندان فرقی ایجاد نمی‌کند. مسأله این است که بنا بر دعای مجاهدین، بودن آنها در فهرست گروه‌های تروریستی باطل گردیده و لغو شده است!

سایت های مجاهدین و ارگان ماهواره‌ای این گروه هم که پر از گل و بلبل شده و رقص و آواز سرتاسر آن را فرا گرفته است و تمامی وابستگان به مجاهدین به مریم رجوی تبریک می‌گویند! مبادا که از این واقعه‌ی تاریخ ساز! عقب بمانند.

بهره برداری مستأصلانه اروپا از فرقه آدمکش رجوی

پایگاه اینترنتی کانون هابیلیان،

۲۲ آذر ۱۳۸۵

موج تبلیغاتی که گروه تروریستی منافقین از روز گذشته پیرامون رأی یک دادگاه بدوی در اروپا براه انداخته است، قبل از هر چیز نشانگر آن است که این گروهک تا چه اندازه به غرض عین کشورهای غربی و حمایت آنها احتیاج دارد و بدون این قبیل حمایتها هیچ نیست.

برخی از منتقدین منافقین، بخصوص طیف مهمی از جدانشدگان - آنگونه که از نوشته ها و اظهاراتشان بر می آید - ظاهراً اعتقاد دارند که اگر این واقعیت که منافقین ملعبه دست این کشور و یا آن کشور و یا بازیچه دست سازمانهای جاسوسی هستند را به آنها یادآور شوند، ممکن است ذره ای شرم در آنها ایجاد شده و به تجدید نظر این روش مشغول شوند.

اما آنچه ماهیت این گروه را تشکیل می دهد، چیزی جز همین وابستگی ها در لفاف الفاظ و دعاوی منافقانه نیست و از اساس نباید چیزی جز این از آنها انتظار داشت و به همین سبب دست افشانی های آنها را برای گوشه چشم یک مرجع غربی بسیار طبیعی باید دانست.

این که حکم دادگاه اروپایی چه بوده است و چه نسبتی بین آن با تبلیغات بلاوقفه و بیمارگونه این گروه دارد، موضوعی است که تنها کسانی که دسترسی آزادانه به اطلاعات و اخبار دارند می توانند به اصل آن پی ببرند و از این حیث می توان درک کرد که منافقین دست به کار ساخت چه فضایی برای اعضایش که مطلقاً با دنیای آزاد ارتباطی ندارند، زده است. گویی که هم اکنون دست امداد کشورهای غربی دراز شده است تا آنها را از بکت بارشان نجات دهد.

از این منظر، یک بار دیگر نمودی از عوامفریبی و نفاق این گروه دسه سیاسی به نمایش گذاشته شده است. اما تا آنجا که به ملت ایران باز می گردد، حکم این دادگاه که مربوط به مسائل مالی می شود که هیچ، حتی اگر حکمی، آنگونه که باب میل رهبران بیچاره ی این گروه مبنی بر خارج ساختن از لیست گروههای تروریستی صادر می شد، باز هم تجدید نظری در طرد و انزوای این گروه انجام نمی داد، چرا که داغ ننگ جنایتکاری و آدمکشی که بر پیشانی این نگون بختان خورده است، دست آورد اظهار نظر این یا آن مقام و یا نهاد غربی نبوده است که بنا باشد با چنین احکامی تغییر کند، بلکه نتیجه اعمال شنیع و ضد انسانی است که در ۲۷ سال گذشته انجام داده است.

ملت بزرگ و شریف ایران، در طول ۲۷ سال مقاومت و پایمردی خویش، دوستان و دشمنان خود را شناخته است، اگر هم بنا بود که تلاشهای تجزیه طلبانه و یا دخالتهای استعماری تا کنون در ایران نتیجه ای برای دشمنان ملت ایران در برداشته باشد، همان حمایتهای بی دریغشان از رژیم دیکتاتور پهلوی می توانست منافعشان را تضمین کند. اما آنجا که نوبت به تحلیل چگونگی رفتار کشورهای اروپایی در حرکتیهای اخیر و رفتار بچه ترسانشان در باره گروه تروریستی منافقین می رسد، چیزی جز استیصال مطلق و بیچاره گی در برابر عزم بلند و رفیع ملت ایران مشاهده نمی شود. اروپا، بسیار مبتدیانانه، بر سر قبری نشسته است که جنازه ای در آن نیست و گروهی را می آزماید که پیش از این آزمونش را پس داده است.

غربی ها، در بطن بحرانهای چند سال گذشته که هر کدام از آنها می

توانست، بسیاری از کشورها و دولتهای منطقه را به زانو در آورد و آنگونه که آنها خواهان آن بودند، راه معامله و عقب نشینی را باز کند، به چشم خود دیدند که آن بحرانهای جز بر عزم ملت ایران نیفزود و مردم ما را برای دستیابی به خواسته هایش مصمم تر ساخت. بحرانهایی که در گیر و دار آن اروپایی ها بارها منافقین را برای معامله پیشنهاد کردند و البته به یقین پی به ارزش و قیمت گروه تروریستی مجاهدین بردند و فهمیدند که هیچ کس حاضر نیست آنها را به پیشیزی بخرد، از این رو است که باید گفت در مسیر بهره برداری از این گروه عرض خود می برند ...

دیگر این که حتی کسانی که با خیال استفاده ابزاری از این گروه، خواب پنبه دانه ای می بینند نیز جز از مسیر نفی و تقبیح اعمال تروریستی، جرأت نزدیکی به این گروه و صدور احکامی به نفع را آنان ندارند. این نیست، مگر به علت سابقه جنایاتی که این گروه در کارنامه خود دارد. غرب تا کنون از بستن چشم خود بر روی کشتار ۱۶۰۰۰ انسان بی گناه سودی نبرده است، از این رو آنها را مجبور به انکار ذات و هویت اصلی شان نموده تا لااقل کارهای خود را عاقلانه و از روی حساب نشان دهد، اما جای شگفتی که منافقین را وادار به انکار جنایتکاری و آدمکشی می نماید که یگانه استعدادی است که برای خدمت به اربابانشان سراغ دارند!

وضعیت این گروه تا آنجا که به حمایتها و پشتیبانی های بیگانگان برمی گردد، هیچگاه بهتر از زمانی که در آغوش صدام، تحت حمایت کشورهای غربی، پول کشورهای غربی را خرج می کردند نخواهد شد، بلکه هم چنان خذلان و فرو غلظیدن در حسیض ذلتهایی بیش از این را برای آنها رقم می زند.

تلویزیون کانال ۳ فرانسه حکم دادگاه لوکزامبورگ را سیاسی قلمداد کرد

المللی، که در گرماگرم يك زور آزمایی با ایران بر سر پرونده هسته ای بسر می برد، تلاقی کرده است.

این اظهارات حاکی از این معنی است که رای دادگاه لوکزامبورگ در همین حداقل برآوردن انتظارات مجاهدین نیز یک اقدام سیاسی و در واقع غیر حقوقی است.

رای دادگاه لوکزامبورگ در همین حداقل برآوردن انتظارات مجاهدین نیز یک اقدام سیاسی و در واقع غیر حقوقی است.

ایران در خصوص پرونده هسته ای نام برده است. تلویزیون ۳ فرانسه آشکارا اعتراف کرده است رای این دادگاه محصول کشاکش بی نتیجه غرب بر سر حل پرونده هسته ای ایران است. سایت مجاهدین در انعکاس اخبار کانال ۳ تلویزیون فرانسه در موضوع رای صادره از سوی دادگاه لوکزامبورگ که مجاهدین اصرار دارند آن را به معنی خروج نام سازمان از لیست گروههای تروریستی جا بزنند از قول این منبع نقل کرد:

"منافع مجاهدین با منافع جامعه بین

www.mojahedin.ws

۱۳ دسامبر ۲۰۰۶

(۲۲ آذر ۱۳۸۵)

سایت های سازمان مجاهدین خلق در یک اقدام شتابزده در خصوص انعکاس اخبار مربوط به رای دادگاه لوکزامبورگ به عمد یا اشتباه اقدام به درج بخشی از گزارش تلویزیون کانال ۳ فرانسه نمودند که طی آن از رای دادگاه آشکارا به مثابه ابزاری برای زورآزمایی غرب با

خوشحالی زودهنگام مریم

اداره‌ی ضدتروریسم اتحادیه‌ی اروپا می‌گوید: لیست بعدی در اوایل سال ۲۰۰۷ منتشر خواهد شد، و ما قصد داریم با پیروی از دستور دادگاه، دلایل لیست کردن هر فرد یا گروه را علناً اعلام کنیم. تصمیم برای قرار دادن این گروه در لیست از روی هوا و هوس نبوده.

همچنین، مدرکی مبنی بر این‌که ایالات متحده قصد دارد موضع مبهم خود درباره‌ی این گروه را شفاف کند وجود ندارد. ممکن است احمدی‌نژاد تهدید محسوب شود. اما گرفتار شدن امریکا در عراق و دیگر نقاط منطقه، ممکن است این ایده که "دشمن دشمنم دوست من است" را تخریب کرده باشد.

مجبور نیست که قبل از مسدود کردن دارایی‌های یک سازمان تروریستی آن را مطلع کند. دادگاه می‌گوید، اتحادیه باید بتواند از اثرات مسدود کردن ناگهانی اموال سود ببرد، اما باید به گروه اجازه داده شود به دلایل تصمیم‌گیری دسترسی پیدا کند.

... مسؤولان اتحادیه‌ی اروپا به "تایم" می‌گویند که مادام رجوی زودهنگام به جشن پرداخته، چرا که علیرغم تعداد در حال افزایش پارلمانترهای اروپایی که گروه را نیرویی آلترناتیو برای رژیم ملایان می‌بینند آنان قصد ندارند مجاهدین خلق را از لیست تروریستی حذف کنند.

"جیزز کارمونا" سخن‌گوی

جیمز گراف/ مجله‌ی تایم/

پاریس/ ۱۴ دسامبر ۲۰۰۶

(۲۳ آذر ۱۳۸۵)

... آیا حکم دادگاه اروپایی نشانه‌ای بود مبنی بر این‌که اتحادیه‌ی اروپا قصد دارد مجاهدین خلق را علیه ملاها آزاد کند؟

غیرمحتمل است. حکم دادگاه بدوی، دومین دادگاه عالی ناظر بر قوانین اتحادیه‌ی اروپا، عمدتاً آیین‌نامه‌ای بود. این دادگاه مشخص کرد که وقتی اتحادیه‌ی اروپا مجاهدین خلق را در سال ۲۰۰۲ در لیست قرار داد می‌بایست سازمان را از مبنای این عمل مطلع می‌کرد. دادگاه اعلام کرد که اتحادیه‌ی اروپا

جعل "پیام"

بیرون می دهد. مگر رهبری مجاهدین از چه محدودیت های بیشتری از بن لادن برخوردار است که نمی تواند پیام صوتی و یا تصویری منتشر کند و در اختیار رسانه ها قرار بدهد؟ امکانات مجاهدین که کمتر از القاعده نیست.

فرقه مجاهدین در این "پیام" کذائی روشن نساخته است که مسعود رجوی تا بحال کجا بوده و چرا در مناسبت هایی بسیار با اهمیت تر که برای فرقه حیاتی بوده و در مدت این سه سال پیش آمده است سکوت کرده و پیامی نداده است؟ و اکنون بدون هیچ دلیل و توضیحی و بدون مشخص کردن محل سکونت خویش اقدام به انتشار "پیام" کرده است؟

رجوی ابتداء باید بگوید در عرض این ۳ سال کجا بوده است و دلیل اختفای او چه بوده است و اکنون کجاست و این پیام را چگونه بیرون داده است آیا بوسیله امایل یا با تلفون و یا فاکس یا رابط زنده سازمانی و از کدام کشور این پیام صادر گشته، آیا اکنون چه ضرورتی پیش آمده که لب به سخن گشوده آیا محدودیت وی برداشته شده یا اینکه به مرخصی آمده و پیام صادر کرده و بسیاری سوالات دیگر که قبل از دادن پیام باید آنها را روشن می کرد. لذا به همین دلیل و دلایل دیگر این "پیام" جعلی است و تا زمانی که تصویر یا صدای او از طریق ماهواره یا نوار کاست شنیده نشود من این پیام را جعلی می خوانم تا عکس آن ثابت شود.

هلند - ۱۷ دسامبر ۲۰۰۶



سوال آزار دهنده "رجوی کجاست" تا بگویند "رجوی اینجا است" اما رجوی هنوز "اینجا" نیست زیرا اگر بود می بایست خود را نشان می داد تا نیروهایش او را باور کنند و حضور او بتواند اوضاع نابسامان سازمان را بسامان کند اما رجوی هنوز غایب است و بفرض راست بودن پیام، چون در غیبت صادر شده هیچکس حضور او را جدی نمی گیرد و مسئله غیبت رجوی همچنان بقوت خود باقی است و فرقه را آزار می دهد و نه تنها مسئله ای از سازمان حل نکرده است که ابهام را بیشتر هم کرده است.

من از دوستانی که این پیام را جدی گرفته اند و فکر کرده اند که رجوی از بازداشت یا محل اختفاء بیرون آمده و نظارتی بر سازمان دارد و در این رابطه مقالاتی نیز نوشته اند تعجب می کنم که چرا هنوز حيله ها و ترفند های مجاهدین را نمی شناسند و گاهی جعل اخبار آنها را جدی می گیرند؟

اگر بواقع این پیام از جانب رجوی صادر شده است چرا رجوی بجای پیام کتبی که هر کسی می تواند آن را بنویسد اقدام به انتشار متن صوتی پیام خود ننموده تا همه صدای خود او را بشنوند و یا با پخش تصویر او از "ماهواره مجاهدین" به همه شایعات این چند سال خاتمه بدهد.

اسامه بن لادن با همه محدودیت هایی که سرویس های جاسوسی غرب و بویژه آمریکا برای او بوجود آورده و دائما در تعقیب اوست هر از گاهی پیامی شفاهی و یا نوار ویدئویی



هادی شمس حائری،

عضو سابق سازمان مجاهدین خلق

۲۶ آذر ۱۳۸۵



فرقه تروریستی مجاهدین خلق پس از حدود بیش از ۳ سال از غیبت رجوی اینک اقدام به انتشار یک "پیام" معمول از قول رجوی نموده است که به نظر میرسد یک تلاش بی حاصل برای خروج از بن بست و برای سرگرم کردن نیروهای وارفته خود و روحیه دادن به آنها در عراق می باشد.

از طرفی جعل این "پیام" برای کاهش فشارهایی است که از سوی هواداران در عرض این ۳ سال واندی روی فرقه وارد آمده است و مدام فرقه را مورد سؤال قرار می دادند که "رجوی کجاست" مجاهدین می خواهند با این "پیام" ساختگی، موج فشار را از روی خود برگردانند و نیروهای مسئله دار خود را قدری آرام کنند.

جعل این "پیام" فقط برای جواب به



نامه سرگشاده به مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق

ابراهیم خدابنده ، عضو سابق سازمان مجاهدین خلق - ۲۳ آذر ۱۳۸۵
Ebrahim_Khodabandeh_2006@yahoo.com



آقای مسعود رجوی، با سلام،

پیامی که در تاریخ ۲۱ آذر ۱۳۸۵ خطاب "به ملت ایران، به مریم، و به اشرف قهرمان" داده بودید و در سایت اینترنتی سازمان مجاهدین خلق ایران منعکس گردیده بود را خواندم. تا جایی که بخاطر دارم این اولین پیام شما بعد از ۳۰ فروردین سال ۱۳۸۲ میباشد.

بهرحال ابهامات و سؤالاتی در خصوص این پیام و موضوعات مربوطه به نظر من رسید که مایلم آنها را در این نامه مستقیماً خطاب به شخص خودتان مطرح نمایم.

دلیل اینکه بعد از مدت‌ها غیبت مجدداً وارد صحنه عمل شده اید هر چیزی میتواند باشد که فعلاً کاری به آن ندارم، ولی واقعیت اینست که در بحرانی ترین شرایط سازمان، از صحنه غایب بودید و نیروها را تنها

گذاشتید و امیدوارم دلایل محکمی از این بابت برای تاریخ داشته باشید. اما مایلم خاطر نشان کنم که بازگشت شما در شرایطی که امکان خارج شدن نام سازمان مجاهدین خلق از لیست های تروریستی متصور است این شائبه را در ذهن می‌پروراند که گویا غیبت این مدت شما به خاطر وجود نام سازمان در لیستهای تروریستی بوده است! ؛ در واقع چنین به ذهن متبادر می‌شود که طی این مدت بواسطه بودن در لیست در مکانی پناه برده و از ترس مرگ، خودکشی سیاسی کرده اید، که در این صورت فکر میکنم بازگشت شما در این شرایط اشتباه فاحشی است که اصلاً انتظار آنرا نداشتیم. اگر از من بپرسید انتظار این بود که حداقل صبر می کردید تا در شرایطی که دولت عراق حکم

قطعی به اخراج مجاهدین خلق از آن کشور و تعطیل شدن فرارگاه اشرف را داد، و وارد میدان شده و سکان هدایت را به عهده میگرفتید!

موضوع اصلی بحث را میخواهم با اشاره به مقطع واقعه تاریخی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ شروع نمایم. یاد می‌آید که در خصوص وارد شدن نام سازمان در لیست های تروریستی در اروپا آقای سید محمد سید المحدثین آنرا مستقیماً به واقعه مربوطه و نتیجه بلافاصله آن یعنی امنیتی شدن فضای غرب ربط میداد که از قرار معلوم، شما در همان مقطع در واکنش به این فاجعه اشاره کرده بودید که این تازه " آثار اسلام ارتجاعی است و باید منتظر آثار اسلام انقلابی بود!" و یا اینکه دستور

فرموده اید تا بلافاصله بعد از اعلام خبر واقعه ۱۱ سپتامبر در فرارگاه اشرف جشن گرفته شود و اعلام داشته اید که " اینها از ثمرات انقلاب مریم است " که البته این مطالب قطعاً به گوش طرف های مربوطه هم رسیده است.

جامعه غربی بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر نسبت به هر چیزی که برایش ممکن است تهدید امنیتی به حساب بیاید حساس است و وارد شدن نام سازمان در لیست های تروریستی بر خلاف تبلیغاتی که میشود هیچ دلیل سیاسی نداشته است که به دلیل سیاسی مرتفع شود. همانطور که در جریان هستیید اغلب سرویس های امنیتی غربی در گزارشات خود

از سازمان به عنوان یک فرقه که پتانسیل ترور دارد نام میبرند. لابد در جریان هستیید که چه در انگلستان و چه در اتحادیه اروپا بر اساس کار کارشناسی سرویس های امنیتی به منظور باز شدن دست این ارگان ها جهت مونیتر و کنترل سازمان که یک تهدید بالقوه به حساب می‌آید نام سازمان در لیست های تروریستی قرار گرفته است. بنابراین برایم مبهم است که چگونه از حالا فرض را بر این گرفته اید که نام سازمان از لیست تروریستی اتحادیه اروپا خارج خواهد شد؟ مگر اینکه اروپا نسبت به موضوع ۱۱ سپتامبر خوش بین و یا حد اقل بی تفاوت شده باشد!

جامعه شناسان و محققین و دانشمندان علوم اجتماعی عموماً بر این نظرند که رهبران فرقه ها قابل تغییر نیستند ولی افراد بدنه فرقه قابل بازسازی می‌باشند و این نظریه در تحلیل سرویس های امنیتی غرب نسبت به سازمان مجاهدین خلق که آنرا یک فرقه بر مبنای تعریف کلاسیک آن میدانند قطعاً دخیل است و لذا تصور نمیکند که در خصوص حکم دادگاه عالی اتحادیه اروپا بتوانید حساب جدی برای خودتان باز کنید. البته این تصور و برداشت من از موضوع است. اگر خاطرتان باشد دادگاه

فیلادلفیا نیز مشابه چنین حکمی در آمریکا در خصوص سازمان داد و انزمان این حکم که به وزارت خارجه آمریکا توصیه میکرد به دلایل سازمان مبنی بر تروریست نبودن گوش دهد طوری تعبیر میشود که گویی دادگاه حکم به

خارج شدن نام سازمان از لیست تروریستی وزارت خارجه آمریکا داده است.

بهرحال تا جایی که به مردم ایران بر میگردد؛ شما و فرقه تحت حاکمیت شما از هیچ پایگاهی برخوردار نیستند و اساساً تنفري خاص از شما دارند که این را بوضوح و در يك برخورد ساده نیز می‌توان بدست آورد. ولی تصور من اینست که شما به این موضوع اصلاً عنایتی نداشته و به نوعی گویی مردم ایران را از معادلات استراتژیک سازمان حذف کرده اید (مقابله به مثل) و همه چیز را به لیستهای تروریستی مصادره میکنید، شما در پیامتان اشاره کردید که: "برچسبی که امروز در دادگاه اروپا بند از بندش گسست، همان است که یک دهه آزادی ملت ما را به تأخیر انداخته و صدمات و لطمات بسیاری را موجب شده است." بر چه اساسی چنین تحلیلی از شرایط دارید؟ مایلم بپرسم که قرار گرفتن نام سازمان در لیست سازمان های تروریستی چه محدودیتی را برای فعالیت های سازمان موجب شد؟ و چنانچه نام سازمان از لیست خارج شود چه فرج و گشایشی بوجود خواهد آمد؟ که گام جدی برای سرنگونی رژیم محسوب میگردد؟ سازمان برای سالهای سال در چنین لیست هایی نبود و از حمایت بی دریغ صدام حسین هم برخوردار بود و توپ و تانک و سلاح هم داشت و سر مرز ایران هم حاضر بود ولی اتفاقی نیفتاد. در شرایط فعلی قرار است چه اتفاقی بیفتد و چه امکاناتی بوجود آید که تابحال نبوده است؟

نظر من اینست که سازمان مجاهدین خلق بر

جامعه غربی بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر نسبت به هر چیزی که برایش ممکن است تهدید امنیتی به حساب بیاید حساس است و وارد شدن نام سازمان در لیست های تروریستی بر خلاف تبلیغاتی که میشود هیچ دلیل سیاسی نداشته است

واقعیت اینست که در بحرانی ترین شرایط سازمان، از صحنه غایب بودید و نیروها را تنها گذاشتید و امیدوارم دلایل محکمی از این بابت برای تاریخ داشته باشید.

نامه سرگشاده به مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق (ادامه)

اساس روش های شناخته شده همه فرقه ها تلاش میکند تا با برجسته کردن پیروزی های کاذب، نیروهای خود را به وعده های غیر واقعی داده شده امیدوار نگاه داشته و همچنان آنان را در اسارت ذهنی حفظ نماید. خصوصا افراد فرارگاه اشرف که در قطع ارتباط کامل با دنیای خارج به سر برده و کوچکترین اطلاعی از ایران ندارند. شما در پیامتان از به پا خواستن همه کس در همه جا در حمایت از سازمان مجاهدین خلق صحبت کرده اید ولی اصلا نامی از مردم در داخل کشور نبرده اید.

بهرحال مسئله جدی برای من نجات رفقای گرفتار در فرارگاه اشرف است که متأسفانه چنین مانورهایی از نظر من هیچ کمکی به آزادی شان نمیکند و برای مدتی بیشتر آنها را در بند نگاه میدارد و دقیقا به همین دلیل و نه هیچ دلیل دیگری با حکم مربوطه مخالف هستم.

تفسیری که از راه حل سوم، توسط خانم مریم رجوی ارائه گردیده، اینست که سازمان را از لیست های تروریستی خارج کرده و سلاح های مصادره شده در عراق را پس داده و با رژیم ایران هم ممانعت نشود تا ارتش آزادیبخش رژیم را سرنگون کند، حالا طوری تبلیغ می کنید که با حکم دادگاه اولین گام برای اجرای این دکترین برداشته شده است، فرض کنیم که ذره ای از تبلیغات شما منطبق بر واقعیت باشد؛ این البته همان شرایطی است که در گذشته و تحت قیمومیت صدام هم داشتید و کاری از پیش برده نشد؛ به چه دلیل غرب که مخاطب اصلی راه حل سوم است باید باور کند که اینبار مسئله فرق میکند؟ چه تغییری بوجود آمده و چه برگ برنده ای به دست سازمان افتاده است؟

در متن حکم دادگاه عالی اتحادیه اروپا به این واقعیت اشاره میشود که سازمان

مجاهدین خلق اعلام نموده است که از ماه ژوئن سال ۲۰۰۱ هرگونه اقدام نظامی را متوقف کرده است. قبل از هر چیز مایلیم در این خصوص تبریک گفته و خوشحالی خود را از این موضوع ابراز نمایم. اصولا مخالفین و منتقدین سازمان و جادشدگان دو مشکل بیشتر با سازمان ندارند که یکی عملیات مسلحانه و دیگری عملیات جاری است. عملیات مسلحانه به معنی هرگونه اندیشه استفاده از قهر و خشونت جهت پیش برد اهداف سیاسی و عملیات جاری به مفهوم تفکر استفاده از اسلوب های فرقه ای جهت

تفتیش عقاید و مغزشویی و کنترل ذهنی نیروهاست. همانطور که امروز ظاهرا از تأکید و اصرار بر مبارزه مسلحانه عقب نشینی کرده اید امیدوارم که اولاً این بحث به لحاظ فکری و اعتقادی نیز در درون سازمان تعمیق شود و اساساً اندیشه استفاده از قهر از اذهان مسئولین سازمان پاک گردد و ثانیاً در آینده نزدیک از اعمال روش های فرقه ای و عملیات جاری که البته برای شما مهمتر از عملیات مسلحانه است نیز صرف نظر گردد. اما نکته ای که برایم مبهم است اینست که چرا زودتر از ژوئن سال ۲۰۰۱ به چنین اقدامی دست نزده و عملیات مسلحانه را

متوقف نکردید تا خون بیشتری ذخیره شود، ضمن اینکه باید سنوئل نمود که تکلیف قربانیان اقدامات نظامی و مسلحانه قبل از تاریخ مربوطه چه میشود؟ سازمان بعد از این چرخش استراتژیک آیا حداقل یک عنبرخواهی به بازماندگان این قربانیان از هر دو طرف بدهکار نیست؟

نکته بعدی اینکه شما و سایر مسئولین سازمان مدام از ممانعت غرب با ایران صحبت کرده و خواهان قطع آن هستید. مایلیم بپرسم که این ممانعت در کجا ماده شده است؟ آیا منظور اینست که چرا به ایران حمله نظامی نشده است؟ تا جایی که من شاهد بوده و هستم اتفاقاً غرب بالاترین ممانعت را به لحاظ سیاسی با سازمان مجاهدین خلق می نماید و علیرغم اینکه بنا بر نظر کارشناسی

مسئله جدی برای من نجات رفقای گرفتار در فرارگاه اشرف است که متأسفانه چنین مانورهایی هیچ کمکی به آزادی شان نمیکند و دقیقا به همین دلیل و نه هیچ دلیل دیگری با حکم مربوطه مخالف هستم.

متخصصین سرویس های امنیتی نام سازمان را در لیست های تروریستی قرار داده ولی هیچگونه محدودیتی برای آن چه از نظر مالی و چه از نظر سیاسی قائل نشده است و اینرا هم من و هم شما خوب میدانیم. سرویس های غربی دقیقا

تعریفشان از سازمان مجاهدین خلق یک فرقه فئاتیک است که دست به سلاح میبرد و لذا برای امنیت غرب یک تهدید بالقوه محسوب میشود. یعنی اتفاقاً غرب میخواهد به دلایل سیاسی تمامی درها بر روی سازمان باز باشد ولی بدلیل امنیتی بوجود آمده بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نمیتواند چنین کاری انجام دهد. بنابراین مشکل غرب با سازمان فارغ از هرگونه رابطه با رژیم است و ربطی به معادلات سیاسی ندارد. وقتی سازمان شما عملیات خودسوزی را مقدس اعلام میکند و لیست داوطلبان خود سوزی جمع آوری مینماید و

چنین ظرفیتی را از خود بروز میدهد که میتواند برای رسیدن به خواسته های خود حتی به خودسوزی دستجمعی هم دست بزند و وقتی از قول شما مدام بازگو میشود که فرمان به کشتن جادشدگان در صورت شکست سازمان داده اید بیهی است که تحت کنترل و مونیاتور ارگان های امنیتی در غرب قرار بگیرد و برای اینکه این کنترل جنبه قانونی به خود بگیرد قرار گرفتن در لیست تروریستی الزامی است.

شما از شرایط موجود خود در عراق از غرب و آمریکا شکایت کرده اید. تا جایی که

به قانون اساسی عراق و تصمیم این دولت بر میگردد سازمان در عراق دیگر جایی نداشته و باید از این کشور برود. دولت فعلی عراق هیچگونه تعهدی نسبت به سازمان مجاهدین خلق نداده و آن را تروریست و تهدیدی برای امنیت ملی خود میدانند و مایل نیست نقش صدام را در همسایگی ایران ایفا نماید و در واقع این صرفا حفاظت و امکانات آمریکاست که تابحال موجودیت سازمان را در عراق تضمین کرده است.

شما در پیام خود پنج بار از فعل امری "باید" برای غرب استفاده کرده اید و به نوعی به کشورهای غربی هشدار داده اید که اگر نقش صدام را برای شما در عراق ایفا نکند مردم عراق و مردم تمامی خاورمیانه آسیب خواهند دید! تا چه میزان فکر میکنید که غرب چنین تهدیدی را جدی بگیرد؟! راستش متوجه نشدم که غرب را از چه چیزی میترسانید؟ تصور میکنم که شما به نوعی عادت کرده اید تا همیشه مانند رهبران فرقه ها از زبان امر و نهی و همچنین تهدید و ارباب نسبت به مخاطبین خود سود ببرید.

نکته آخر اینکه اگر نگران استفاده های فرقه ای و محکم تر کردن زنجیر های ذهنی اعضای سازمان برای یک دوره دیگر نبودم از مصمیم قلب آرزو میکردم که هرچه زودتر نام سازمان از تمامی لیست های تروریستی در جهان برداشته شود و اگر کوچکترین محدودیتی در هرکجای دنیا از جمله عراق هم وجود دارد برطرف گردد تا همگان مشاهده کنند که این مسائل بهانه هایی بیش نیست و سازمان مجاهدین خلق از زمانی که بر خواست توده مردم ایران پشت کرد و تکیه خود را بر عنصر خارجی گذاشت قافیه را باخت و صرفا تا به امروز با شکردها و روش های معمول فرقه ای توانسته است ظاهر خود را پابرجا نگاه دارد.

سرویس های غربی دقیقا تعریفشان از سازمان مجاهدین خلق یک فرقه فئاتیک است که دست به سلاح میبرد و لذا برای امنیت غرب یک تهدید بالقوه محسوب میشود.

شکستن تابوی "مبارزه مسلحانه" در سازمان مجاهدین خلق ایران توسط نجات یافتگان از فرقه مبارک باد

مسعود خدابنده،

عضو سابق سازمان مجاهدین خلق،

۲۱ آذر ۱۳۸۵



بالاخره دادگاه لوگزامبورگ بعد از کش و قوس های یک ساله گذشته رای خود را داد. این که نتیجه این دادگاه را متأثر از روابط بین المللی بدانیم یا خیر بحثی است برای زمانی و مکانی دیگر. همینقدر می توانم بگویم که از زمانی که لیبی گوشه چشمی نشان داده دیگر تروریست که هیچ آپوزیسیون صلح طلب حکومت لیبی هم در خیابانهای لندن و واشنگتن اجازه نطق زدن ندارد. البته از طرف دیگر می توان گفت که مردم لیبی هم از روز اول نمی بایستی توقع می داشتند که سیاست مداران کشورهای دیگر (که برای حفظ منافع کشور خودشان حقوق می گیرند و در نتیجه در این رابطه است که مسئولیت شغلی و ناسیونالیستی دارند) دنبال وضع و حال آنها باشند.

تا جایی که فرقه رجوی بر می گردد بر کسی پوشیده نیست که اگر فعالیت شبانه روزی نجات یافتگان از فرقه در داخل و خارج از کشور را حذف کنید الان رهبران فرقه و کسانی که جز آن ایزاری دیگر برای مقابله در سطح بین المللی نمی یابند امروز نه تنها در این نقطه نبودند که الان نجات یافتگان یک چیزی هم بدهکارشان بودند. رژیم ایران هم که سالهاست آب پاکی را هم روی دست طرف های خارجی و هم بقیه ریخته و حاضر نیست یک قران پوئن بجای الباقی فرقه بدهد. و البته همان بهتر. و از هر جهت هم باید گفت همان بهتر.

رای دادگاه امروز لوگزامبورگ که چندین صفحه و طولانی است و بنده هم لزومی برای ترجمه آن نمی بینم البته و به زبان بنده و شما اعلام کرده که بستن حسابهای سازمان مجاهدین مربوط به کشورها است و

اتحادیه اروپا مسئله را به کشورها واگذار کند.

در بین همین کشورها بریتانیا که خود بصورت جداگانه آنها را تروریست می داند (از سال ۲۰۰۰)، کشورهای آلمان و فرانسه هم که طعم حضور تروریست ها در خاکشان را چشیده و مواضعشان در سالهای اخیر مشخص بوده، یکی دو تا کشور هم هستند مثل نروژ و ... که آنها هم از اول مسئله خودشان را بیشتر با آمریکا حل کرده اند تا با اروپا ولی آمریکا چه؟ آمریکا خود آغاز گر بوده و سالها قبل از یازدهم سپتامبر یعنی از سال ۱۹۹۷ آنها را رسماً در لیست گذاشته و کانادا هم در سال ۲۰۰۵ وقتی سازمان مجاهدین را در لیست گذاشت از اتحادیه اروپا اجازه نگرفته بود. بنابراین تبلیغاتی که لابی اسرائیل و نومحافظه کارانی که عاجز از دسترسی به هر گونه ایزاری براه انداخته اند طبعاً مثل همیشه چیزی جز طبلی تو خالی نیست. بی جهت نیست که وقتی "شخصیتی" در لوگزامبورگ به خبرگزاری فرانسه می گوید که این رای ممکن است راه را برای خروج از لیست هموار کند، از ذکر اسم خودش هم ابا دارد. و تازه گیرم که اصلاً همه فردا تصمیم گرفتند مریم رجوی را بعنوان "رئیس جمهور مادام العمر" به رسمیت شناخته و تانک و توپ های صدام را هم به او پس بدهند؟ وضعیت برای وی فرقی می کند؟ یعنی در این چهار سال گذشته حسابهای رئیس جمهور سیزده ساله شوربای ضد ملی ضد مقاومت ضد ایرانی بسته بوده؟ واقعا!!

ولی سخن من امروز در این باره نیست که یک نکته جدی ای و رسمی ای در بیانیه دادگاه وجود دارد که بسا بسا جای شکر و تبریک دارد.

بالاخره مریم رجوی بعد از چندین بار نفی و اثبات طی دو سال گذشته این بار رسماً در دادگاه اعلام کرد که سازمان مجاهدین خلق ایران "عملیات نظامی" و "مشی مسلحانه" را بصورت کامل از سال ۲۰۰۱ نفی کرده و می کند. طبعاً ما و شما و بقیه کسانی که دستشان در کار است می دانیم که این حرف مریم رجوی هم مثل حرف های دیگر خود و شوهرش است و نمی توان به پیشیزی خرید. هر چه باشد این همان زنی است که بعد از کشتار اکراد عراق راست نشسته و کج می گوید که این ها عوامل رژیم!! بودند و توپ و تانکهای صدام را هم مدعی است که خودش!! خریده و ...

آنچه مهم است خود رجوی نیست. آنچه مهم است عواملی است که وی را وادار کرده اند تا چنین تیشه برداشته و ریشه خود را بزنند.

و مهم تر از آن تأثیرات این اعلام رسمی "نفی مبارزه مسلحانه" بر باقیمانده فرقه رجوی و یا همان سازمان مجاهدین خلق ایران است. سازمان و فرقه ای که به هر صورت به آن بنگریم و در ارزیابی آن چه "اعتقاد به مبارزه مسلحانه" و چه "فرقه بودن" را در کشیدن کارش به این نقطه اولویت دهم مشخصاً با شکست تابوی "استراتژی و ایندولوژی مبتنی بر مبارزه مسلحانه" در ذهن نفرات فرقه آخرین خشت های کاخ ننگینش را از زیر دیوار "انقلابات ایندولوژیک"ش می کشد. شخصاً فکر نمی کنم مریم رجوی با همه کمبودها و گاهای کودنی های سیاسی اجتماعی اش به این موضوع واقف نباشد. پس چرا این کار را کرد؟

واضح است. بخاطر این که مجبورش کردند. و چه کسانی مجبورش کردند؟ فکر می کنم متفق القول باشیم که نه رژیم ایران و نه دول غربی و شرقی که در پایه و اساس، افشاکاری ها و جانفشانی های نجات یافتگانی را باید ستود که تا به اینجا به تاکید تا همینجایش حق نجات یافتگی را در قیال دینی که به کشته شدگان داشتند ادا کرده اند. راستی چه کسی فکر می کرد یک روز مریم رجوی را مجبور به "نفی مبارزه مسلحانه" آن ها با چنین عجز و لایه ای بکنید؟ درست است که همه این حرفهایش از ترس تیغ قانون و محکمه و حسابرسی است ولی آیا واقعا چند سال پیش می توانستیم چنین روزی را ببینیم؟

به زانو در آوردن دیو جهل و کشتار و خشونت و مجبور کردن سازمان مجاهدین خلق ایران در تمامیتش (که شامل شورای ملی مقاومت ایران و ارتش راهی بخش ملی ایران نیز می گردد) به نفی "ایندولوژی و استراتژی مبتنی بر مشی مسلحانه" و نفی "هر گونه عملیات نظامی" بر تمامی نجات یافتگان فرقه از فعال و غیر فعال، بر تمامی اسرای فرقه که بدنبال راهی برای گریز از دور باطل کشتار و خونریزی می کردند و بر همه آپوزیسیون مبارز و ضد خشونت و ترور مبارک باد.

شکستن بزرگترین تابوی درونی فرقه رجوی با دست های زخمی، شکنجه شده ولی تا بن استخوان معتقد و ضد خشونت نجات یافتگان از فرقه مبارک باد.

انشالله پیروزی بعدی که در مقابل عبور از این مرحله بسا بسا سریع تر و هموار تر خواهد بود یعنی آزادی اسرای کمپ اشرف نزدیک است.

لیدز انگلستان، دوازدهم دسامبر ۲۰۰۶

رای دادگاه لوکزامبورگ؛ هیاهو برای هیچ

مجاهدین از سال ۲۰۰۱ به اینطرف هیچگونه عملیات نظامی نداشته اند. مجاهدین و وکلایشان مشخص نکرده اند دلیل اینکه از سال ۲۰۰۱ دست به عملیات نظامی نزده اند چه بوده است. آیا امکانش را نداشته اند؟ و یا اینکه دیگر اعتقادی به مبارزه مسلحانه ندارند. اگر مبارزه مسلحانه را نفی کرده اند کجا و کی به طور رسمی این مسئله را عنوان کرده اند؟

مبارزه مسلحانه رگ حیاتی و استراتژیک مجاهدین می باشد. مبارزه مسلحانه هم استراتژی و هم تاکتیک و هم ایدئولوژی برای مجاهدین است.

مجاهدین نمی توانند مبارزه مسلحانه تروریستی را نفی کنند و اگر روزی اقدام به اینکار بنمایند چیزی که از مجاهدین باقی خواهد ماند هیچ شباهتی به ترکیب کنونی مجاهدین نخواهد داشت. لذا صحبت های غیر رسمی و غیر عنی که برخی سخنگویان و مسئولین دیپلماسی مجاهدین در این باره می کنند تنها و تنها جهت حل و فصل مسائل و مشکلات جاری آنهاست. بعنوان مثال زمانی که مجاهدین با یک نماینده سوسیالیست ملاقات می کنند خود را طرفدار پر و پا قرص سوسیالیسم معرفی می کنند در حالی که در ملاقات دیگری و با نماینده حزب لیبرال خود را طرفدار سرمایه داری و بازار آزاد معرفی می نمایند. عنوان کردن کنار گذاشتن مبارزه مسلحانه توسط مجاهدین آن هم در پشت درهای بسته و غیر رسمی از همین سنخ میباشد.

درد بی درمان مجاهدین چیست؟ درد بی درمان مجاهدین چیست که اگر همه عالم و آدم جمع شوند نمیتوانند آن را درمان کنند؟

درد بی درمان مجاهدین همانا بی ریشگی و تنفر عموم ایرانیان چه در داخل ایران و چه در سایر کشورها از این فرقه مزدور بیگانه و وطن فروش می باشد.

درد بی درمان مجاهدین این است که مبدل به یک باند مافیایی سکتاریتی شده اند و هیچ جریان اجتماعی را در ایران نمایندگی نمی کنند.

درد بی درمان مجاهدین این است که در طول ۸ سال جنگ عراق بر علیه ایران؛ بعنوان ستون پنجم عراق عمل کرده اند و این مزدوری و وطن فروشی هنوز از خاطر مردم ایران محو نشده است. درد بی درمان مجاهدین این
هلند - ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶

به سنای بلژیک و پارلمان نروژ؛ و کنفرانس هایی که در هفته گذشته در امریکا و انگلیس از طرف برخی سیاستمداران کشورهای مربوطه جهت بیرون آوردن مجاهدین از لیست گروههای تروریستی برگزار شد؛ به رخ کشیدن ظرفیت غرب در استفاده از برگ مجاهدین تلقی نمی شود؛ تنها و تنها رفع برخی محدودیت های اعمال شده می باشد و ربطی به خروج از لیست گروههای تروریستی ندارد. حکم دادگاه لوکزامبورگ هیچ ربطی به پرونده مریم رجوی در فرانسه و چندین میلیون دلار پولی که از وی ضبط کرده اند ندارد.

آیا خارج کردن اسم مجاهدین از لیست گروههای تروریستی کمکی به مجاهدین خواهد کرد؟

فرض کنیم که روزی همانهایی که مجاهدین را در لیست گروههای تروریستی وارد کرده اند؛ بخواهند که نام مجاهدین را از لیست خارج کنند؛ چه تاثیر مثبتی در کل قضیه خواهد کرد؟

سوال: مگر مجاهدین از روز اول در لیست گروههای تروریستی قرار داشتند؟

جواب: خیر؛ مجاهدین برای اولین بار در سال ۱۹۹۴ توسط وزارت امورخارجه امریکا در لیست گروههای تروریستی وارد شدند.

سوال: از زمانی که مجاهدین در لیست گروههای تروریستی وارد شدند چه محدودیت هایی را متحمل شدند؟

جواب: اساسا قرار داشتن مجاهدین در لیست گروههای تروریستی به غیر از برخی موارد محدود منجمه منوعیت سفر محدثین به امریکا و ... مانع خاصی برای مجاهدین ایجاد نکرده است. از فریبکاری و شارلان بازیهای غربیها است که از یک طرف مجاهدین را در لیست گروههای تروریستی قرار داده اند و از طرف دیگر مجاهدین با آزادی عمل کامل هر کاری که میخواستند از برقراری تظاهرات گرفته تا پخش برنامه های تلویزیونی و ملاقات با نمایندگان اروپایی و جمع آوری امضاء و حمایت انجام داده اند و معلوم نیست که اگر روزی از لیست بیرون بیایند آیا کار دیگری مانده است که بخواهند انجام بدهند؟

آیا مجاهدین مبارزه مسلحانه را کنار گذاشته اند؟ وکلای مجاهدین به مانند همیشه در پشت درهای بسته دادگاهها اعلام کرده اند که

کریم حقی، عضو سابق سازمان مجاهدین خلق، ۲۲ آذر ۱۳۸۵



پس از یکسال کش و قوس و در پی شکایات فرقه رجوی امروز صبح (سه شنبه ۱۲ دسامبر ۲۰۰۶) دادگاه بدوی عدالت اروپا با صدور حکمی بلوکه بودن دارانیهای مجاهدین در کشورهای اروپایی را لغو کرد.

در حکم دادگاه بدوی تنها به ملغی شدن حکم توقیف دارنیهای مجاهدین در کشورهای اروپایی تاکید شده است.

اما طبق معمول همیشه مجاهدین به جشن و پایکوبی پرداخته و از یک پیروزی! دیگر صحبت می کنند. و حتی در سایت مجاهدین تیتر زده اند که مجاهدین از لیست گروههای تروریستی بیرون آمدند.

آیا مجاهدین از لیست گروههای تروریستی بیرون آمده اند؟

دادگاه بدوی عدالت اروپا حکم به رفع توقیف دارانیهای بانکی مجاهدین در اروپا داده است.

اما همه می دانیم که مجاهدین هیچگاه امورات مالی خود را از طریق بانکی انجام نمیدهند. یعنی هیچوقت پولی به اسم مجاهدین در بانک های اروپایی نبوده است که توقیف شده باشد و الان بخواهند از آن رفع توقیف نمایند. جابجایی و نقل و انتقال پول در مجاهدین همیشه به صورت غیرقانونی و سیاه انجام شده است.

بعد از رای دادگاه لوکزامبورگ برای اولین بار بعد از سقوط رژیم حسین به مسعود رجوی اجازه داده شد که به طور نوشتاری پیامی را منتشر کند. بنابراین اگر رای دادگاه بدوی عدالت اروپا را مستقل فرض کنیم و به خود بباورانیم که این رای و در این نقطه هیچ ربطی به مشکلات جمهوری اسلامی با دول غربی بر سر فعالیتهای اتمی ایران و همچنین وضعیت در فلسطین و لبنان و عراق ندارد؛ و اگر ببینیم که دعوت مریم رجوی

اطلاعیه کانون قلم در مورد حکم دادگاه عالی لوگزامبورگ

کانون قلم،

۲۲ آذر ۱۳۸۵



سازمان مجاهدین خلق در سایت های تبلیغاتی خود ادعا کرده است که این سازمان بر اساس رای دادگاه لوگزامبورگ از لیست گروه های تروریستی خارج شده است. مریم رجوی در سایت همبستگی ارگان اینترنتی سازمان مجاهدین گفته است:

"مریم رجوی حکم «دادگاه عدالت اروپا» مبنی بر لغو «تصمیم مشترک شورای وزیران اتحادیه اروپا» مبنی بر گنجاندن سازمان مجاهدین خلق ایران در لیست تروریستی را گواه حقانیت مقاومت علیه فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران و پیروزی عدالت بر منافع اقتصادی و زد و بندهای سیاسی توصیف کرد و آنرا به سازمان مجاهدین، عموم مردم ایران و همه دوستان عدالت و آزادی در سراسر جهان تبریک گفت. وی ضمن قدردانی از همه نمایندگان و حقوقدانان و کسانی که طی سالیان، برای حذف این برچسب ناعادلانه تلاش کرده اند، گفت امروز یکی از بالاترین مراجع قضایی اروپا، ادعای مقاومت ایران مبنی بر اینکه این برچسب از ابتدا یک موضوع سیاسی و بخاطر خوش آمد ملایان بوده است را مورد تأیید قرار داد."

اما واقعیت چیست؟

خبرگزاری رویتر در تاریخ ۱۲،۱۲،۲۰۰۶ در گزارش خود در مورد دادگاه لوگزامبورگ به یک بیانیه شورای اتحادیه اروپا اشاره کرده و تصریح می کند که:

"دادگاه مقرراتی را که لیست تروریسم بر

مبنای آن استوار است یا اشخاص و نهادهای موجود در آن لیست را لغو نکرده است." همچنین رادیو بی بی سی در تاریخ ۱۲،۲۰۰۶ به نقل از وزارت کشور انگلستان گفت که:

"سخنگوی وزارت کشور بریتانیا در این باره گفته بریتانیا در مورد گروه هایی که فعالیتشان ممنوع است قوانین داخلی خود را دارد، و بر اساس این قانون، فعالیت مجاهدین خلق ممنوع باقی خواهد ماند." بنابراین جدا از جوسازی های مرسوم و سنت شده در سازمان مجاهدین خلق که از هر کاهی، کوه بسازد و چند روزی اعضای فرقه را مشغول کند، در حکم دادگاه لوگزامبورگ تنها یک مطلب وجود داشته است. بر اساس حکم این دادگاه در روز سه شنبه ۱۲،۱۲،۲۰۰۶

لغو حکم توقیف دارایی های سازمان مجاهدین خلق صادر شده است که این نیز صرفاً یک حکم اولیه است.

لازم به یاد آوری است که چهار سال پیش دولت فرانسه ۱۰ میلیون دلار پول را در اتاق شخصی مریم رجوی به به دلیل نا مشخص بودن منبع و چگونگی کسب آن ضبط کرده بود، چرا که این پول از عراق و حوزه حاکمیت صدام حسین بطور غیر قانونی وارد فرانسه شده بود.

اما در حکم دادگاه لوگزامبورگ مطلب مهمی اشاره شده که سازمان مجاهدین به عمد از روی آن گذشته است. در حکم این دادگاه آمده است:

" این گروه که بال نظامی شورای ملی مقاومت مستقر در عراق است اعلام کرده است که از سال ۲۰۰۱ فعالیت های نظامی نداشته و آن را نفی کرده و خواهد کرد."

البته این درست است که سازمان مجاهدین خلق از سال ۲۰۰۱ به لحاظ شکلی و

عریان، عملیات نظامی مسلحانه نداشته است، اما بطور محتوایی و واقعی مگر بعد از خلع سلاح این گروه در عراق توسط آمریکا، سازمان مجاهدین امکان عمل تروریستی به شکل علنی داشته است؟

در حکم اشاره شده که سازمان مجاهدین خلق عمل مسلحانه را نفی کرده و می کند. بدین ترتیب مشخص می شود که یک امر حیاتی را سازمان مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت از اعضا و مسئولین این سازمان مخفی نگاه داشته و بدون اطلاع آنها به دادگاه لوگزامبورگ اعلام نموده که از مبارزه مسلحانه و تروریستی دست خواهد کشید.

کانون قلم تصمیم گیری های تک روانه و دیکتاتور منشانه رهبری سازمان مجاهدین خلق را که به مانند آغاز مبارزه مسلحانه و تروریستی در سال ۱۳۶۰ بدون اطلاع و مشورت با اعضای سازمان صورت می گیرد، محکوم می کند. همچنین کانون قلم نقل قول آورده شده از سازمان مجاهدین خلق در حکم دادگاه لوگزامبورگ مبنی بر نفی مبارزه مسلحانه را، دارای عمق و محتوی نمی داند و اعتقاد دارد کماکان این سازمان به اندیشه مبارزه مسلحانه و تروریستی اعتقاد مبنایی و ایدئولوژیک دارد. اصرار سازمان مجاهدین برای باقی ماندن در عراق و عدم انحلال ارتش آزادیبخش یکی از ده ها دلیل برای این امر می باشد.

کانون قلم -

۱۲ دسامبر ۲۰۰۶

www.iran-ghalam.de
info@iran-ghalam.de
kanoon-ghalam@hotmail.de

00491756391365

۰۰۴۹۱۷۵۹۷۲۶۸۴۰

امروز دادگاه، فردا تهران!

دستگاه زندگی میکنند، تحلیل پشت تحلیل و خبر پشت خبر میدهند که نخیر فکر کرده اید فلانی گفته که هنوز اسم مجاهدین در لیست است و ...

به این ترتیب هر کدام ما در هر بخشی که بودیم با محیط شدن نسبی به این دنیای کوچک و فهم قانونمندیهای آن، سریعاً دچار خود علامه بینی میشدیم و اینکه گوئی به تمام اسرار مگوی دنیا پی برده و همه جریانات را بسرعت میتوانیم تحلیل کرده و جواب همه سئوالات را از جیب کوچک خود در یک چشم به هم زدن در آوریم.

همسایه. کما اینکه امروز هم میبینی با یک حکم دادگاه کذا



مجاهدین به یکدیگر تبریک و تهنیت میگویند که آی چه شد، هیچی از لیست خارج شدیم و پیش بسوی ایران و "امروز دادگاه، فردا تهران". از آنطرف بعضی از جادشندگان هم که متأسفانه هنوز تا حدودی در این

دکتر مسعود بنی صدر، عضو سابق شورای ملی مقاومت و نویسنده کتاب خاطرات یک شورشی که این کتاب حاوی تجارب خود وی در درون سازمان مجاهدین خلق میباشد، در قسمتی از چهاردهمین نامه خود به دوستش آقای ابراهیم خدابنده در ایران به تاریخ ۲۴ آذر ۱۳۸۵ آورده است که :

به این ترتیب هر کدام ما در هر بخشی که بودیم حتی آشپزخانه مجاهدین در دنیای ساده و کوچک ساخته شده برایمان اینطور فکر میکردیم که تمام آینده دنیا و بشریت بند است به کار روزانه ما در بخش مربوطه. و خلاصه دنیا است و کش و شکستن شیشه خانه

چرخش در سیاست آمریکا؟

پناهندگان سازمان ملل متحد صورت می گیرد. این برنامه یک برنامه مربوط به پناهندگان است و فکر نمی کنم این گزارش ها مبنایی داشته باشد.

مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق از زمان سقوط صدام حسین در تلویزیون این سازمان ظاهر نشده و صدایش هم در رادیوی این سازمان شنیده نشده و هر تصویر و صدایی که از او پخش می شود از برنامه های ضبط شده مربوط به قبل از سقوط حکومت صدام حسین است....

به جز این، ما مجاهدین خلق را یک گروه تروریستی می دانیم مثل خیلی از گروه های تروریستی دیگر از جمله حزب کارگران کردستان ترکیه، حماس، حزب الله و بسیاری از گروه ها در خاورمیانه و ما با آنها مخالفیم و از آنها حمایت نمی کنیم.

پرسش بعدی من به نگرانی جمهوری اسلامی ایران بازمی گردد. نشریه آمریکایی کانگرسشنال کوارترلی به نقل از یک مقام سابق آمریکایی که نامش فاش نشده نوشته، ارتش آمریکا در عراق عده ای از اعضای سازمان مجاهدین خلق را برای آموزش نظامی به اسرائیل فرستاده و برخی دیگر را هم قبلاً در صحراهای نوادا تعلیم داده است. شما از این گزارش ها آگاهی؟

ما هم این گزارش را شنیده ایم. من وقتی در بغداد بودم، وضعیت مجاهدین خلق را خیلی دقیق دنبال کردم. ما سازمان مجاهدین خلق را یک سازمان تروریستی می دانیم. این سازمان زیر کنترل نیروهای آمریکایی ست که مواظب باشند آنها ضد کسی فعالیت نکنند.

این کار در هماهنگی نزدیک با صلیب سرخ و کمیساریای عالی

امیر مصدق کاتوزیان،

رادیو فردا،

۲۳ آذر ۱۳۸۵

<http://www.radiofarda.com>



امیر مصدق کاتوزیان از رادیو فردا این پرسش را در مصاحبه ای اختصاصی با جیمز جفری مشاور ارشد وزیر خارجه آمریکا در امور خاور نزدیک و سیاست گذاری ایالات متحده در قبال ایران، مطرح کرده است.

.....

حاج آقا مسعود کجا بودی تا حالا ؟

از پیش ببرد حالا که آمریکا در عراق به گل نشسته است و اسرائیل تنها جریانی هست که خواهان حذف نظامی جمهوری اسلامی است، اتفاقاً دلیل سیاست غلط اسرائیل در قبال فلسطین و لبنان . با بحران جدی سیاسی داخلی و بین المللی روبرو ست .

آقا مسعود

تمام دولتهای خارجی و داخلی هم که شما را تایید کنند، خون کشته شدگان فروغ جاودان، سعید نوروزی ها، پاسر اکبری ها، ندا حسنی ها و بی شماران دیگر، شما را همانند دیکتاتور پینوشه تا لب مرگتان دنبالان خواهد کرد.

شاید شما بتوانید ان اعضایی را که در انحصار خبری در پادگان اشرف بسر میبرند، بازم دجا ر خوشحالی کاذب نمایند ولی در دنیای اینترنت و عصر آگاهی ها، از شما به عنوان دیکتاتور کتوری کوتوله، و خشونت گرا، وطن فروش و عامل بیگانه، دشمن صلح و مبلغ کینه و نفرت یاد خواهد کرد.

یکبار دیگر متن اعلامیه تان را بخوانید، مانند صدام حسین دیکتاتور عراق، همچنان در ر توم بسر میبرید.

بیچاره سازمانی که چشم به دست بیگانگان بسته است که وی را به قدرت برسانند.

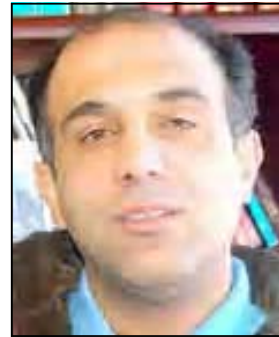
اولاً: آقایان شما اول برادریتان را ثابت کنید، بعداً طلب ارث کنید. یعنی اول از همه پاسخ بدهید در این مدت یعنی از تاریخ شنبه ۳۰ فروردین ۱۳۸۲ زمان تسلیم نیروهای سازمان به ارتش آمریکا تا امروز ۲۱ آذر ۱۳۸۵ یعنی مدت ۴۲ ماه کجا غیبتان زده بود که در این مدت ، اعلامیه ای نمی دادید. لازم به اشاره نیست که در غیاب شما فتوحات و پیروزی های زیادی را همسران به تنهایی انجام داده اند و شما اعلامیه ای ندادید که از شما بعید بود. شما که برای هر مطلبی اطلاعیه میدادید و نشست می گذاشتید ؟ علت واقعی ان چیست ؟

دوما : با توجه به شناختی که از شما داریم زیر اعلامیه شما و بالای ان خبری از مسول شورای ملی مقاومت نبود . یعنی شما برکنار شده اید ، خودتان استعفا کرده اید و یا فقط اشتباه تایپی شده است ، همانگونه که فرمان تشکیل ارتش آزادی بخش دلیل عجله شما در نامه آرم دار سازمان نوشته و منتشر شده بود یعنی اینکه از نظر شما ماهیتا یکی است فقط اسم ان عوض میشد. که البته فکر بکری بود که تا کنون توانسته است هواداران تان را مشغول کنید .

امیدوارم که هر چه زودتر سازمان مزبور را از لیست تروریستی خارج کند تا انوقت بر ان هواداران باقی مانده هم مشخص شود که سازمان با همه حمایت های صدام حسین و کمک های مالی بیدریغ وی نتوانست کاری

سعید سلطانیپور، خبرنگار در کاتادا،
۲۲ آذر ۱۳۸۵

sultanpour@yahoo.com



شکر خدا که دادگاه عدالت اروپا، مسعود کردن دارائی های موسوم به مجاهدین رای داد و این باعث شد که حاجی مسعود شوق زده از مخفیگاه آمریکائی - اسرائیلی ها و به احتمال زیاد در قطر بیرون بیاید و پیام بدهد.

باید به ایشان یاد اور شد که دوست عزیز بدون با الله که نمی شود سر زده بعد از ۱۳۲۵ روز وارد سیاست خاورمیانه شد.

بهتر است و لازم است قبل از ظهور مجدد، چند سوال را پاسخ بدهید

لب گشودن رهبر فرقه مجاهدین بعد از سه سال

رهبری خودش گفت:
"یکایک آنان را در وفای به عهد و ادامه راه تا تهران مددکار باش. تا با من راه نشین. همچون دهه های پیشین. باده و پیمان زنده." حتماً منظور مسعود رجوی از " باده و پیمان زدن" سازمان مجاهدین خلق در دهه های گذشته در عراق و تحت نظر حکومت صدام حسین روشن است. به نظر می رسد که "باده و پیمان زدن" نام مستعار و پوششی مبارزه مسلحانه و تروریستی، و تفتیش عقیده و ستمار "عملیات جاری" در فرقه مجاهدین می باشد.

همچنین مسعود رجوی در بند ۳ نامه خود آورده است:

"دولت عراق میباید به حق پناهندگی ۲۰ ساله ساکنان اشرف اذعان کند"

که این امر نیز نشان دهنده عزم جدی سازمان مجاهدین بر ادامه اندیشه مبارزه مسلحانه و تروریستی در قالب ارتش آزادیبخش در عراق است.

آلمان - ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶

ظاهری بکارگیری این گروه توسط غرب بود، چرا که مسعود رجوی در پیوند تنگاتنگ با دیکتاتوری صدام حسین، آنچنان بدنام شده بود که جناح های جنگ طلب در غرب را دچار مشکل کرده بود. اما خوشبختانه جدا شده از سازمان مجاهدین و همفکران کانون قلم همیشه بر این نکته انگشت می گذاشتند که یک فرقه ایدئولوژیک بدون رهبری آن امکان حیات و بقا ندارد. آنها تاکید می کردند که حذف مسعود رجوی از سازمان مجاهدین خلق به دلیل ساختار فرقه گرایانه این سازمان ، و همچنین نداشتن جسارت و از خودگذشتگی در شخصیت مسعود رجوی برای استعفا از "رهبری خود خوانده انقلاب نوین ایران" امکان پذیر نیست؟

شب گذشته بعد از سه سال سکوت سرانجام مسعود رجوی لب گشود و نامه ای را به مناسبت خبر خودساخته " خروج این سازمان از لیست گروه های تروریستی " منتشر کرد و خطاب به اعضای مجاهدین و همچنین منابع غربی، در تاکید مجدد بر

محمد حسین سبحانی، عضو سابق سازمان
مجاهدین خلق، ۲۲ آذر ۱۳۸۵
sobhani_m_h@hotmail.com



بعد از سرنگونی رژیم صدام حسین، تحلیل هایی در مورد استحاله سازمان مجاهدین خلق و حذف مسعود رجوی از رهبری این سازمان و سپردن سکان رهبری این گروه تروریستی به مریم رجوی برای خوش آمد گویی غرب در میان بود. این تحلیل ها بیشتر در منابع غربی و لایه هایی از فعالین سیاسی ایرانی که شناخت کافی از سازمان مجاهدین نداشتند، شنیده می شد. هدف از استحاله سازمان مجاهدین نیز کسب مشروعیت

ما را از لیست در بیاورید، نه از عراق!

وبلاگ حسن زبل،

۲۲ آذر ۱۳۸۵

از آنجا که کارزار جهانی برای حمایت از اشرف هنوز ادامه دارد و از آنجا که ما در اشرف اصلاً شانس نداریم لازم دیدم که چند نکته را جهت همه کسانی که از ما حمایت میکنند و کسانی که آنها را استخدام میکنند که از ما حمایت کنند یاد آوری کنم.

میگویند به بی خانمان بنده خدا که همه وسایلش را توی به بچه پیچیده بود و بسته بود به ته چوب و انداخته بود رو شونه هاش داشت میرفت و با خدا راز و نیاز میکرد که ای خدا گره از کار من باز کن که ناگهان گره دستمالش باز شد و همه وسایلش ریخت تو خیابون؛ طرف رو کرد به بالا و با ناله گفت: ای خدا! اینقدر زود خواسته های منو اجرا نکن؛ صبر کن تا لااقل بگم منظورم کدوم گره است.

حالا هم حکایت ما همینه، هی گفتیم ما را بیرون بیاورید، بیرون بیاورید، حالا دارن ما را از عراق بیرون میارن، بابا ای وکلا و نماینده ها که پول گرفتید که بگید ما را بیرون بیارن، منظور ما این بود که ما را از لیست بیرون بیاورند نه از عراق، ای بخشی شانس.

اما جدیداً برادران در بخش دیپلوماسی خارجی رفتند کلی پول دادند جلسه راه انداختند که کسانی از اشرف و ماندن ما در اشرف و بیرون آمدن ما از لیست (که امیدوارم این دو با هم جابجا نشوند) صحبت کردند.

باید خدمت این برادران بخش دیپلوماسی عرض کنم که این آدمهایی که جمع کردید، آطور که من دیدم همه بالای هفتاد هشتاد سال سن داشتند؛ البته خوب است که چند تا آدم جا افتاده از ما حمایت کنند اما اینها که دیگه کارشان از جا افتادگی گذشته از جا هم در اومدن.

البته عیب نداره ها؛ ولی گفتم به وقت بخش دیپلوماسی نشه خانه سالمندان. خوبه یکی که میخواد کار و مشکلات ما را دنبال کنه اولاً بتونه تکون بخوره دوماً به وقت وسط کار نذاره بمیره و باز کار ما لنگ بمونه و دنبال یکی دیگه راه بیفتیم، ما که انرژی میگذاریم لااقل یکی را انتخاب کنیم که به مدتی کار کنه،

از اونجا که استراتژی ما دراز مدته بهتره که کسی که از ما حمایت میکنه لااقل عمر نوح داشته باشه نه اینکه با عزرائیل به تعامل و تساهل و تعادل و تفاهم رسیده باشه.

البته از به جهاتی این کار و دعوت

از این اشخاص خوب و مفید است. که از حق نباید گذشت و بقول شاعر که میگه: "عیب آن جمله بگفتی هنرش نیز بگو" خوبی این کار را هم بیان میکنم.

بله! از خواص این اشخاص اینه که وقت نمیکنن ما رو خوب بشناسن یعنی تا بیان بفهمن که ما سرشون کلاه گذاشتیم و اون چیزهایی که گفتیم همه شعار بوده وبعد بخواهند اطلاعیه بدن و ما را محکوم کنن، جان به جان آفرین تسلیم کردن و خلاصه اصلاً وقت اینکارها را پیدا نمیکنن و ما هم تا ابد میتونیم از اسم اونا استفاده کنیم، آخه کار ما که یکسال و دوسال نیست.

حسن دیگر این اشخاص هم اینه که همه اش در حال چرت زدن هستنند و متوجه نمیشوند که در کنفرانس چی گفته میشه و حالت سرشون هم طوری بالا و پایین میشه که انگار دارند صحبتهای گوینده را تائید میکنند، یعنی هم متوجه نمیشن هم مداخله نمیکنند و تازه تائید هم میکنند.

پس اینجور که معلومه نباید برای این اشخاص دعای طول عمر کرد.. و باید در عوض گفت: خدا همه حامیان مقاومت را رحمت کنه چه آدمهای خوبی بودند. خدا بیمارزدتسون

مجاهدین در پی جست و خیز های بی جهت (ادامه)

(ادامه از صفحه بعد)

در یک اطلاعیه جداگانه اعلام نماید تا هم ملت ایران آنرا بشنود و هم افرادی که تا امروز در قید و بند و اسارت این سازمان هستند دریابند و خود را از وضعیت نابسامان این سازمان ضد ملی و ضد میهنی رها سازند.

این هم یکی از سیاست ها و شیوه های سانسور در سازمان مجاهدین است که گوشه ای از خبر را تا آنجائی که به سود خودشان است انتشار دهند تا با همین نمونه کوچک خبری بتوانند اطلاعیه کذائی صادر کنند یعنی با این کار تلاش می کنند عموم مردم را از اصل خبر دور نگهدارند اما امروز دیروز نیست و جانشندگان از این سازمان با هوشیاری تمام اصل خبرها را به اطلاع عموم مردم می رسانند و دروغوئی های آنها را فاش می سازند.

رای دادگاه لوگزامبورگ و اعلام نفی مبارزه مسلحانه توسط فرقه مجاهدین

مختلف و گسترده‌گی آن مشکلی است که هرگز حل نخواهد شد.

اطلاعیه مطبوعاتی دادگاه لوگزامبورگ هیچ اشاره به عدم تروریست بودن مجاهدین ندارد و تبلیغات این فرقه فقط به اظهارات مریم رجوی پرداخته است.

کانون آوا همانطور که در اطلاعیه قبلی در مورد این دادگاه اعلام نموده بود از پرهیز از خشونت و دروی از مبارزه مسلحانه استقبال می نماید و البته در صورتیکه این امر توسط خود سازمان و رسماً انجام بگیرد و اعلان غیر مستقیم و مصلحتی و توسط بلندگو های غربی کافی نیست و این مسئله باید بطور مستقیم به هوا دارن و اعضا، که سرنوشت خود را به این سازمان گره زده اند اعلام گردد

ماه ژوئن ۲۰۰۱ بصورت همه جانبه هرگونه عملیات نظامی را نفی کرده است"

مبارزه مسلحانه که یکی از مهمترین ابزار ادامه حیات خیانت بار این فرقه می باشد و هرچند که توسط وکلاء آن و پشت در های بسته و در لفافه های حقوقی نفی شود باز هم آخرین میخ تابوت فرقه مجاهدین خواهد بود و نه تنها به این فرقه کمکی نخواهد کرد بلکه سرعت انحلال آن را تشدید خواهد نمود.

هرچند که فرقه مجاهدین با اعلام این اطلاعیه جشن و پایکوبی براه انداخته و این موضوع باعث سرگرمی چند روزه و ردوبدل شدن تئریکات و مصاحبه های گوناگون خواهد شد ولی ثبت فرقه رجوی به عنوان تروریست در کشورهای

اطلاعیه کانون آوا، آلمان ۲۱ آذر ۱۳۸۵



صبح امروز دادگاه لوگزامبورگ طی اطلاعیه مطبوعاتی نتایج دعوی فرقه مجاهدین را اعلام نمود که در آن به مسدود شدن حساب های بانکی آنها اشاره نموده است ولی مهمترین بخش آن، اظهارات این فرقه مبنی بر دست برداشتن از مبارزه مسلحانه می باشد که در این اطلاعیه آمده است:

"سازمان مجاهدین خلق ایران مدعی شده است که این سازمان از

مجاهدین در پی جست و خیز های بی جهت

رزرو کردن جا برای افراد مستقر در اشرف است چرا که تا دیروز مدعی بود که مردم عراق بیش از پنج میلیون امضاء برای مجاهدین جمع آوری کرده اند و اعلام کرده اند اگر کسی به حریم مجاهدین نزدیک شود در دفاع از سازمان مجاهدین ایستادگی خواهیم کرد پس رزرو کردن جا برای افراد در عراق گویای این است که سازمان مجاهدین در مورد امضاء ۵ میلیونی مردم عراق یا خبر سازی کرده یا اینکه مثل جریان دادگاه امروز موضوع را طوری دیگر انعکاس داده است.

اما مهمترین محور و اصلی ترین موضوعی که خانم رجوی در اطلاعیه خود به آن اشاره ای نکرده این است که سازمان مجاهدین در دادگاه مزبور جنگ مسلحانه را نفی کرده و اعلام نموده که از ژوئن ۲۰۰۱ هیچگونه عملیات نظامی صورت نداده البته این موضوع جای تیریک دارد و به این معنا تعبیر می شود که با ترک عملیات نظامی انحلال سازمان مجاهدین در چشم انداز نزدیک قابل رویت است اما اعلام این موضوع پشت درهای بسته دادگاه برای مردم ایران قابل قبول نیست و سازمان بایستی این موضوع را بطور علنی و

تا بتواند چند صباحی نیروهای معترض و به جان آمده را دلگرم کند. سابقاً هم درمورد عملیات های نظامی به همین شیوه عمل می کرد اما وقتی که واقعیت برای همگان روشن می شد، اضعاد خود را در خارج از کشور مقصر می دانست یا رژیم راه، امروز هم در مورد حکم دادگاه لوگزامبورگ همان راه را پیش گرفته و رای دادگاه که تنها در مورد پرداخت چهار پنجم هزینه دادگاه است را طوری در بوق کرنا کرده که اگر کسی سازمان را شناسد و گذشته آنرا نداند فکر می کند که همین الان سازمان از لیست تروریستی کشورهای اروپایی خارج خواهد شد.

خانم رجوی در این اطلاعیه چنان شتاب زده شد که برای افراد در قرارگاه اشرف هم در اروپا جا رزرو می کند. بخوانید:

خانم رجوی افزود: پس از رای امروز دادگاه هیچ بهانه ای برای تعلل در برسمیت شناختن حقوق مجاهدین مستقر در اشرف باقی نمی ماند و حق پناهندگی آنان که از ۲۰ سال پیش از آن برخوردار بوده اند، می بایست مجدداً مورد تایید قرار گیرد.

البته در این شتابزدگی، خانم رجوی یک شکست بزرگی را هم اعتراف نموده آن هم همین

اطلاعیه انجمن ایران سبز، آلمان، ۲۲ آذر ۱۳۸۵



در پی رای دادگاه لوگزامبورگ مبنی بر پرداخت چهارپنجم هزینه های سازمان مجاهدین برای دادگاه، سازمان مجاهدین و در راس آن خانم مریم رجوی اطلاعیه دل خوش کنی صادر کرد که متن آن ربطی به رای دادگاه ندارد.

در سر تیتر اطلاعیه چنین می خوانیم: رای دادگاه عدالت اروپا، گواه حقانیت مقاومت ایران و پیروزی عدالت بر منافع اقتصادی است. محدودیتهای ناشی از برچسب تروریستی می بایست برطرف و خسارات آن باید جبران شود. دادگاه: "تصمیم مشترک" را لغو کرد و از شورای وزیران خواست چهارپنجم هزینه مجاهدین را بپردازد"

این تاکتیک لورفته سازمان مجاهدین است که از کاه کوه می سازد و از هر خبری صداها خیر و تحلیل درست می کند و به خورد افراد تحت سلطه خود در قرارگاه بسته اشرف می دهد

نشریه اطلاع رسانی انجمن نجات



آدرس

انجمن نجات،

صندوق پستی ۶۷۹/۱۴۳۹۵

تهران، ایران

ایمیل: nejat@nejatngo.org

فاکس: ۸۸ ۹۶ ۱۰ ۳۱



پایگاه اینترنتی ما!

www.nejatngo.org

انجمن نجات

(ادامه در صفحه قبل)